

شهرهای کوچک و میانی
(برنامه‌ریزی و توسعه)

پدیدآورندگان:
زهره فنی
و
اشرف‌السادات باقری

این اثر با حمایت شهرداری ملایر به چاپ رسیده است

سرشناسه	فنی، زهره، ۱۳۴۴ -
عنوان و نام پدیدآور	شهرهای کوچک و میانی: برنامه‌ریزی و توسعه
مشخصات نشر	تهران: سازمان دهیاری‌ها و شهرداری‌های کشور، تیس، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	۲۳۰ ص؛ جدول، نمودار، مصور؛ ۲۳×۱۶/۵
فروست	نگاشت شهر: ۱۱۸
فروست	مدیریت شهری: ۲
شابک	۱۲۵۰۰۰ ریال: 978-600-7683-23-1
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبای مختصر
یادداشت	فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی http://opac.nli.ir قابل دسترسی است.
شناسه افزوده	باقری، اشرف‌السادات، ۱۳۴۴ -
شماره کتابشناسی ملی	۳۷۸۹۸۹۰

شهرهای کوچک و میانی (برنامه‌ریزی و توسعه)

پدیدآورندگان: زهره فنی (دانشیار گروه جغرافیای شهری دانشگاه شهید بهشتی)
 اشرف‌السادات باقری (عضو هیئت علمی گروه جغرافیای بنیاد دایرةالمعارف اسلامی)
 زیر نظر: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری و روستایی
 ناشر: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور
 چاپ یکم: بهار ۱۳۹۴
 ویراستار: عباس جلالی
 صفحه‌آرا: سپیده امری
 لیتوگرافی: البرز توین، چاپ: عطا، صحافی: ساجر مهر؛ ناظر فنی چاپ: علی کاتب
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه؛ بها: ۱۲۵۰۰ تومان
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۳-۲۳-۱
 استفاده از مطالب با ذکر منبع بدون اشکال است.

• انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور

تهران، بلوار کشاورز، خیابان نادری، پلاک ۱۷، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری و روستایی

تلفن: ۶۳۹۰۲۰۵۳ و ۶۳۹۰۲۰۵۰، shahrdariha91@yahoo.com

۱۳		سخن ناشر
۱۵		پیشگفتار
۱۹		مقدمه
۲۵		فصل اول: مفاهیم، تعاریف و کلیات
۲۵		تعاریف و مفاهیم
۲۵		توسعه و توسعه منطقه‌ای
۲۶		فضا
۲۷		منطقه و سامانه‌های آن
۲۸		سازمانیابی سطوح و سلسله مراتب منطقه‌ای
۲۹		نظام شهری
۳۰		شبکه‌ی شهری
۳۰		نقش شهری
۳۱		برنامه‌ریزی شهری
۳۱		نظام شهری و جایگاه شهرهای کوچک و میانی در برنامه‌ریزی آمایش سرزمین
۳۶		تعریف و مفهوم شهر کوچک
۳۷		عوامل تعیین کننده‌ی اندازه‌ی شهرهای کوچک
۳۷		اندازه‌ی جمعیت
۴۰		ویژگیهای شهرهای کوچک
۴۱		جایگاه شهرهای کوچک در مطالعات شهری
۴۴		تعریف و مفهوم شهر میانی
۴۴		ملاک‌ها و معیارهای شناخت شهر میانی

۴۵	طبقه‌بندی جمعیتی شهرهای کوچک و میانی
۵۲	ضرورت پژوهش و کاربرد سیاست شهرهای کوچک و میانی
۵۴	نظریه‌ها و دیدگاه‌های اندازه‌ی متناسب یا مطلوب جمعیت
۵۸	جایگاه شهرهای کوچک در توسعه‌ی منطقه‌ای
۶۰	جایگاه شهرهای میانی در توسعه‌ی منطقه‌ای
۶۲	سیاست شهرهای کوچک و میانی در برنامه‌ریزی شهری-منطقه‌ای
۶۴	نتیجه‌گیری
۶۵	پرسشهایی برای بحث

۶۷	فصل دوم: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها
۶۷	مقدمه
۶۷	نظریه مرکز-پیرامون
۷۰	نظریه‌ی توسعه‌ی روستا-شهری
۷۲	نظریه مکان مرکزی
۷۲	اصول نظریه‌ی مکان مرکزی
۷۴	حوزه‌های پیرامونی - عملکردی
۷۵	ارزیابی پسرکانه یا حوزه‌ی نفوذ
۷۷	روش‌های تعیین حوزه‌ی نفوذ شهر
۷۷	روش ارزش مرکزیت
۷۸	نظریه‌ی کشش دوسویه
۷۸	نظریه‌های تعادل فضایی-مکانی جمعیت و منابع
۷۸	مفهوم ساماندهی فضایی
۷۹	نظریه‌ی نظام مراتب سکونتگاهی
۸۰	الگوی تور و وزنه در تعادل‌های منطقه‌ای و سکونتگاهی
۸۰	قاعده‌ی رتبه - اندازه
۸۲	دیدگاه تسلط تک شهری یا نظریه شهر مسلط، نخست شهر، شهر برتر
۸۹	راهبرد و رویکرد عملکردهای شهری در توسعه روستایی
۹۳	نظریه‌ی قطب رشد و سیاست توسعه از بالا
۹۶	سیاست توسعه از پایین و شهر میانی
۹۸	سیاست توسعه از پایین، شهرهای کوچک و مراکز روستایی
۱۰۰	سیاست توسعه از بالا و توسعه از پایین، نظریه‌ی توسعه یکپارچه منطقه‌ای
۱۰۲	رویکرد توسعه‌ی شبکه‌ای منطقه‌ای (شهری-روستایی)
۱۰۳	الگوی توسعه‌ی شبکه منطقه‌ای و نظارت شایسته

۱۰۴	شبکه‌ی ترابری درون منطقه‌ای و محلی
۱۰۴	پیوندهای روستا-شهری در توسعه‌ی منطقه‌ای
۱۰۵	اهمیت شناخت پیوندهای روستا-شهری در برنامه‌ریزی توسعه‌ی محلی
۱۰۶	جریانهای مالی روستا-شهری
۱۰۷	نتیجه‌گیری
۱۰۸	پرسشهایی برای بحث

۱۰۹	فصل سوم: حوزه‌ها و نقشهای کارکردی - توسعه‌ای شهرهای کوچک و میانی
۱۰۹	مقدمه
۱۰۹	عملکرد اقتصادی شهرهای کوچک و میانی
۱۰۹	ویژگیهای اقتصادی
۱۱۲	عملکردهای اقتصادی
۱۱۶	ویژگیها و عملکرد اداری/سیاسی شهرهای کوچک و میانی
۱۱۸	کارکردهای خدماتی
۱۱۹	حوزه‌ی عملکرد اجتماعی - فرهنگی شهرهای کوچک و میانی
۱۲۱	شهرهای کوچک و میانی و توسعه‌ی حوزه‌های روستایی
۱۲۴	تبادل بخشی به نظام و شبکه‌ی شهری
۱۲۵	تحول و تبدیل مراکز روستایی به شهرهای کوچک
۱۲۷	جایگاه و کارکردهای نوین شهرهای کوچک و میانی
۱۲۷	مدنیت و شهروندی
۱۲۸	جهانی‌شدن و مقیاس محلی
۱۲۹	جهانی‌شدن و شهرهای کوچک و میانی
۱۳۰	بازآفرینی اقتصاد منطقه‌ای در درون بستر محلی
۱۳۰	شهرهای کوچک و میانی در فرآیند توسعه‌ی پایدار
۱۳۳	شهرهای کوچک، باغشهرهایی پایدار
۱۳۵	شهر کوچک، پایدار و بومخواه؛ رویکردی در همزیستی با بیابان
۱۳۶	زیستوم مولد و خلاق شهرهای کوچک و میانی
۱۳۹	نتیجه‌گیری
۱۴۰	پرسشهایی برای بحث

۱۴۱	فصل چهارم: گذری بر تجربه‌های جهانی
۱۴۱	مقدمه
۱۴۲	تجربه‌های جهانی از سیاست شهرهای کوچک

۱۴۲	فیلیپین.....
۱۴۳	ژاپن.....
۱۴۳	هند.....
۱۴۴	بنگلادش.....
۱۴۵	نیجریه و تانزانیا.....
۱۴۶	استرالیا: خلاقیت و شهرهای کوچک.....
۱۵۱	توجه به شهرهای میانی در عرصه‌ی جهانی.....
۱۵۴	سیر تاریخی توجه به شهرهای میانی در جهان.....
۱۵۴	اروپا.....
۱۵۷	آسیا.....
۱۵۹	آمریکای لاتین.....
۱۶۱	آفریقا.....
۱۶۴	نتیجه‌گیری.....
۱۶۵	پرسشهایی برای بحث.....
۱۶۷	فصل پنجم: راهبردهایی در برنامه‌ریزی و آینده‌ی شهرهای کوچک و میانی.....
۱۶۷	مقدمه.....
۱۶۸	سیاست‌گذاری‌های موثر بر کارکردهای شهرهای کوچک و میانی.....
۱۷۰	برهمکنشهای مثبت شهری/روستایی و توسعه‌ی محلی/منطقه‌ای در عصر جهانی شدن.....
۱۷۰	اثر تعاملهای منفی بر توسعه‌ی محلی/منطقه‌ای.....
۱۷۱	الف) در نواحی روستایی.....
۱۷۱	ب) در شهرهای کوچک و میانی.....
۱۷۱	ج) در سطح شهرهای ملی و جهانی.....
۱۷۲	نمونه‌ای از ملاحظات اصولی و راهبردی در برنامه‌ریزی شهرهای کوچک و میانی.....
۱۷۴	آینده جغرافیای شهری با موضوع سیاستهای شهرهای کوچک و میانی.....
۱۷۵	روند تکامل و رشد شهرهای کوچک و میانی.....
۱۷۶	ساختار داخلی شهرهای کوچک.....
۱۷۸	تغییرات، چالش‌ها و نیازهای برنامه‌ریزی و مدیریتی شهرهای کوچک و میانی.....
۱۸۲	تفاوتهای میان شهرهای جدید و شهرهای کوچک و میانی.....
۱۸۳	نتیجه‌گیری.....
۱۸۴	پرسشهایی برای بحث.....
۱۸۵	فصل ششم: جایگاه شهرهای کوچک و میانی در نظام شهری/منطقه‌ای ایران.....

۱۸۵	مقدمه.....
۱۸۶	تحول شهرنشینی و ویژگیهای نظام شهری در ایران.....
۱۸۹	مرووری بر وضعیت شهرهای میانی.....
۱۹۰	بررسی نظام شهری کشور بر پایه‌ی تحولات شهرهای کوچک.....
۱۹۳	رده‌بندی جمعیتی شهرهای میانی و کوچک.....
۱۹۵	سیاست شهرهای کوچک و میانی در برنامه‌ریزی شهری-منطقه‌ای کشور.....
۱۹۶	پژوهشهای موردی در زمینه‌ی شهرهای کوچک و میانی.....
۱۹۷	مورد پژوهی نخست: نقش شهرهای کوچک در استان خوزستان.....
۲۰۲	مورد پژوهی دوم: نقش شهرهای میانی در استان اصفهان.....
۲۰۶	سایر مطالعات موردی.....
۲۰۹	بومی سازی راهبرد توسعه‌ی شبکه منطقه‌ای (نظریه مایک داگلاس) در توسعه‌ی منطقه‌ای کشور.....
۲۱۳	واپسین سخن.....
۲۱۸	پرسشهایی برای بحث.....
۲۱۹	واژه‌نامه فارسی- انگلیسی.....
۲۲۱	منابع.....

سخن ناشر

انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور از آغاز کار خود (۱۳۷۱ خورشیدی) همواره در پی نشر اندیشه‌های نو سرزمینی خود یا برگردان تفکرات تازه جهانی و به گونه‌ای انتقال و به روز کردن دانش نوپای شهرسازی در کشور بوده است. یکی از بهترین نمونه‌ها در راستای اهداف کتابی است به نام شهرهای کوچک که پدیدآور نخست کتاب پیش رو، سرکار خانم زهره فنی سال‌ها پیش (۱۳۸۲) تألیف نموده و با استقبال همه دبستان‌ها و مسایل شهر و شهروندی رویه‌گردید. چندانکه این کتاب ۱۲۰ صفحه‌ای در یک سال به دو چاپ رسید؛ چاپ نخست با شمارگان ۲۰۰۰۰ و چاپ دوم آن با شمارگان ۱۰۰۰۰ جلد که در آن سال برای ناشر کارنامه‌ای درخشان شمرده می‌شد.

انتشارات با یک پیش‌نگری در پیشگفتار برای چاپ دوم چنین نگاشت؛ «کتاب شهرهای کوچک»، رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای با استقبال دانش‌پژوهان به چاپ دوم خود رسید. کتابی که توانسته است گوشه‌ای از زوایای تاریک و مبهم ساختار نظری مربوط به نقش شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای را روشن سازد؛ به‌طوری‌که مورد استفاده چشمگیر کارشناسان امر قرار گیرد.

ناشر امید دارد که با تلاش قابل تحسین مؤلف گرامی، در آینده این کتاب را با دیدگاه‌ها و نظرات جدیدتر و پرمحتواتری، به جامعه دانشگاهی و دست‌اندرکاران امر برنامه‌ریزی منطقه‌ای و شهری ارائه نماید که چنین نیز شد و پدیدآور با قوی دانشورانه که سپرده بود با هم‌قلم خود خانم دکتر اشرف‌السادات باقری دست به کار نوشتن کتابی شدند

که اکنون در پیش رو دارید، کتابی که فصلی نو را بر خود پیوسته و چه خوش هم نشسته است.

در جهان شهرگرایی سده بیستم میلادی، باشندگان کلان‌شهرها با دشواری‌های فراوان و شکننده‌ای روبه‌رو شدند که همه اندیشه‌ورزان را به بازنگری و بازتعریف مسائل شهری کشانید. از آن جمله تلاش در کند کردن و وارونه کردن روند مهاجرت سیل‌آسا به سوی شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها بود. پدیدآورندگان در این اثر برای کاستن از چنین فشارهای شکننده‌ای، اندیشه شهرهای کوچک و میانی را پیش کشیده و بدان پرداخته‌اند، البته به زبانی دانشگاهی. این شهرها به باور پدیدآورندگان، گریزگاهی خواهند بود برای تمرکز جمعیت و دیگر بحران‌های کنونی کلان‌شهرها و ابرشهرهای زاده‌شده کنونی.

انتشارات با توجه به هدفی که در آغاز گفته شد، بر آن گردید تا این اندیشه‌ی نوآمد را در پیش چشم همه دانشوران، دانشجویان و برنامه‌ریزان بگستراند. امید آنکه این کتاب آغازی برای یافتن راهکارها باشد.

انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور

زمستان ۱۳۹۳

با گذشت قرن‌ها از شهرنشین شدن انسان و شکل‌گیری شمار زیادی از ایده‌ها و اندیشه‌های بزرگ برای بهبود زندگی شهری، هنوز کشورهای در حال توسعه، با مسائل ناشی از توزیع نامناسب و بی‌توازن جمعیت، منابع و ثروت در پهنه‌های ملی و منطقه‌ای مواجهند. موضوعاتی که پژوهش‌ها اثبات کرده‌اند، ریشه در سیاست‌ها و برنامه‌های جهانی، ملی، منطقه‌ای و شهری- محلی دارند. در شکل‌گیری و تکوین نظام فضایی- مکانی شبکه سکونتگاهی هر کشور، عوامل گوناگونی از جمله عناصر طبیعی، شرایط اجتماعی- اقتصادی، تاریخی، و ساخت سیاسی و ایدئولوژیک حاکم بر سیاستگذاری‌ها موثر و دخیل هستند. اگر این عوامل و شرایط بصورت یکپارچه و سیستمی همسو و متناسب با رشد و تکامل متعادل این شبکه نباشند و یا به هر دلیلی یکی از این عوامل بطور سازنده‌ای تاثیرگذار نباشد، زمینه‌ی رکود و مشکل‌آفرینی شبکه سکونتگاهی پدید می‌آید.

موضوع اهمیت سیاست و برنامه‌ریزی شهرهای کوچک و میانی، ریشه در یکی از دیدگاه‌های کلیدی مطرح شده نیمه‌ی دوم سده‌ی بیستم میلادی، با عنوان «توسعه و عمران منطقه‌ای»^۱ دارد که در درون خود نظریه‌ها و ایده‌های متفاوتی را پرورانده و همواره اعتبار علمی و توسعه‌ای خود را حفظ کرده است. شاید یکی از مهم‌ترین آنها، این ایده باشد که «توسعه منطقه‌ای، نه به معنای ورود و ادغام چند کشور یا چند منطقه در نظام‌های داد و

ستد آزاد، بلکه به معنی ضد آن، یعنی توسعه و آبادانی همه مناطق در محدوده‌ی یک کشور است». اهمیت خاص این دیدگاه، به ویژه برای کشورهای درحال توسعه، معنا و مصداق بیشتری پیدا می‌کند، چرا که برای آنها، تنها برنامه توسعه‌ی منطقه‌ای یکپارچه؛ یعنی تلاشی برای توسعه همه مناطق خارج از مادرشهر اصلی که پهنه و اثرات آن همه نواحی روستایی و شهری را در برگیرد، نجات دهنده خواهد بود. براساس نتایج بررسی‌ها و پژوهش‌های^۱ نویسندگان کتاب حاضر، یکی از تلاش‌ها و چالش‌های مؤثر در دستیابی به این مهم، تمرکز بر شهرهای کوچک و میانی در سیاست‌گذاری‌ها، تعیین و ارزیابی کارکرد و نقش آنها در برنامه‌ریزی توسعه‌ی محلی، منطقه‌ای و ملی تشخیص داده شد؛ اگرچه هنوز نتوانسته‌اند جایگاه و اهمیت خاص خود را در برنامه‌های اجرایی منطقه‌ای و ملی به دست آورند. بر این اساس، برخی از معضلات و تنگناهای محلی، منطقه‌ای و ملی که ضرورت این توجه را تشدید می‌کند، عبارتند از: توزیع فضایی نامتعادل جمعیت؛ مهاجرت بی‌رویه با جهت‌گیری روستا - شهری به خصوص شهرهای بزرگ و میانی؛ نبود تعادل در توزیع امکانات، فرصت‌ها و نیروهای اقتصادی در سطح منطقه‌ای، با گرایش مثبت برای مادر شهر منطقه و گرایش منفی برای شهرهای کوچک و میانی.

بررسی و تلاش در رفع یا کاهش این مسائل و معضلات، راهکارهای بنیادی و ریشه‌ای را طلب می‌کند که با توجه به دلایل زیر، رویکرد یا دیدگاه تقویت شهرهای کوچک و میانی می‌تواند به عنوان یک رویکرد و سیاست محوری در این زمینه مطرح و بررسی می‌شود:

□ جایگاه و تأثیر سلسله مراتبی این شهرها در شبکه شهری و سکونتگاهی منطقه که می‌تواند موجب توزیع متعادل جمعیت و جلوگیری از تمرکز آن شود؛

□ عرضه کارکردها و زمینه‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی به حوزه محلی و به تبع آن کاهش مهاجرت‌ها یا تغییر جهت آنها از نواحی و کانون‌های شهری بزرگتر به کانون‌های کوچکتر؛

□ شهرهای میانی و کوچک با ایفای نقش بازار مرکزی حوزه‌ی نفوذ روستایی و منطقه‌ای، ضمن ارائه خدمات متنوع در این زمینه، محرک مهمی در تقویت و استحکام

اقتصادی نواحی روستایی و شهری پیرامون قلمداد می‌شوند.

همچنین از اهداف مهم بررسی سیاست شهرهای کوچک و میانی در سطح توسعه یکپارچه منطقه‌ای، می‌توان به استدلال و ارزیابی علمی آن و آزمون جایگاه عملکردی و اهمیت گرهگاهی این مرتبه از شهرها در توسعه‌ی یک منطقه یا پهنه‌ی معین اشاره کرد که این مهم، با مطالعه نظریه‌ها و دیدگاه‌های مرتبط آغاز می‌شود و با بررسی و تحلیل جوانب ساختاری این شهرها، میزان اثرگذاری و پیوستگی آن ساختارها با ساختار کلان منطقه از یک طرف و ساختار خرد حوزه‌ی روستایی-شهری از سوی دیگر، قابل بررسی و تحلیل است.

زهره فنی - اشرف‌السادات باقری

مقدمه

در سالهای اخیر، کشورهای جهان بطور عام و کشورهای در حال توسعه بطور خاص، به ضرورت ایجاد و حفظ تعادلهای منطقه‌ای، عدالت اجتماعی و فضایی، تمرکززدایی و گرایش به الگوهای توسعه‌ی یکپارچه توجه بیشتری نشان می‌دهند و با الزامات پدید آمده، دولتها، به ترجیح نگرش فضایی سیستمی در برنامه‌ریزی‌های ملی و منطقه‌ای سوق داده شده‌اند.

بدیهی است یکی از مشخصه‌های نظام شهری در کشورهای در حال توسعه، از جمله در ایران، توزیع فضایی نامتوازن جمعیت و منابع در پهنه سرزمینی و منطقه‌ای است؛ موضوعی که بطور مکرر در منابع گوناگون بحث می‌شود (فنی، زهره، ۱۳۸۲ به نقل از: Rondinelli, 1983:381؛ رضایی و تقوایی، ۱۳۸۹: ۶۷). این شکل از توزیع فضایی نامتوازن جمعیت و منابع، بر افزایش قیمت زمین و هزینه‌های محلی مانند دستمزد و ترابری در شهرهای بزرگ تاثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر با افزایش قیمت زمین و دستمزدها در شهرهای بزرگ، بر تراکم استقرار صنایع، فعالیت‌ها و سکونت انسانها در آنها افزوده شده و این روند سبب افزایش هزینه‌های ترابری محلی شده است. این عامل دفع‌کننده از شهرهای بزرگ نیز مانند زمین، جایگزین ناپذیر و نیازمند زیرساخت‌های مهم با هزینه‌های زیادی است^۱. ازدحام و مشکلات ترافیکی، یکی از معضلات گریز ناپذیر شهرهای بزرگ

۱. از عبارت‌های قصار شهرشناسان غربی است که «تیشرت و پیراهن را می‌توان از چین وارد کرد ولی راه و جاده را نمی‌توان» (Polèse, M. 2009:50).

معاصر است. ازدحام ترافیکی، علاوه بر ناراحتی‌های روحی و جسمی که ایجاد می‌کند، هزینه‌های زمانی و مالی (سوخت، راننده، و تجهیزات) زیادی برای صاحبان سرمایه و بنگاه‌های اقتصادی به همراه دارد. البته باید گفت که پیامدهای منفی ناشی از تراکم ترافیکی تنها به دلیل تجمع بالای جمعیت و فعالیت شهری نیست بلکه علاوه بر آن، مدیریت ضعیف شهری، پراکنده رویی شهری، سامانه‌ی آمد و شد همگانی ناکارآمد، این پیامدها را تشدید می‌کنند. در مجموع الگوی استقرار جمعیت و قانون‌های زیستی از نظام بهره‌گیری متناسب ظرفیت‌ها و استعدادها موجود پیروی نکرده است و چشم انداز اسکان جمعیت، تصویر متعادل و مناسبی را به دست نمی‌دهد. این الگوی توزیع نامتوازن مراکز شهری، تاثیر بارزی بر روند توسعه‌ی شهری برجای گذاشته است. قطب‌های متمرکز و شهرهای بزرگ با جذب نیروی کار بیشتر، حوزه‌های پیرامونی، شهرهای کوچک و کم توان یا نقاط محروم با دفع نیروی کار و جمعیت رو به رو هستند. با وجود اهمیت و کششی که بزرگی کالبد و جمعیت شهری برای فعالیت‌های اقتصادی و تجاری دارد، انسان‌ها و فعالیت‌های زیادی هم تمایلی به سکونت و استقرار در مادرشهرها ندارند. چنانچه در منابع آمده است جمعیت شهرنشین زیادی به سمت سکونت در خارج از شهرهای بزرگ، گرایش دارند و بیش از ۸۵ درصد جمعیت ایالات متحده، و ۸۰ درصد جمعیت انگلستان، خارج از نواحی مادرشهری زندگی می‌کنند (Polesc, M., 2009:49).

پژوهشگران و جغرافیدان‌های شهری، برای شناخت مجموعه‌ها و سامانه‌های شهری و سکونتگاهی در کشورهای گوناگون، به دنبال شناخت و مطالعه نیروهایی هستند که جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی را به بیرون از شهرهای بزرگ می‌رانند یا به عکس، به طرف آنها می‌کشانند. از این رو در بعضی از کشورهای جهان، طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، بررسی‌های زیادی انجام شده که اغلب به شناخت و تحلیل اهمیت مناطق کلانشهری و شهرهای بزرگ و یا جستجوی راههای کاهش فشار و تنگناهای شهری - منطقه‌ای، در قالب سیاست شهرهای جدید، شهرکهای اقماری و مانند آن پرداخته‌اند. بر پایه این مطالعات، اعتقاد به اینکه، اصولاً شهرهای درجه دوم و سوم، از لحاظ اقتصادی (بازگشت سرمایه) و جمعیتی (جذب جمعیت اضافی) نمی‌توانند کارآیی و توان لازم را داشته باشند، به تدریج قوت گرفت. البته این دیدگاه‌های کم اعتبار، حاصل اندیشه‌ها و تحولات همان دهه‌ها، بیشتر در جوامعی مطرح بود که توسعه را روند انباشت سود و

سرمایه، بدون توجه به توزیع متناسب آن در پهنه‌ی سرزمینی کشورشان تلقی می‌کردند؛ در حالی که بتدریج، یکی از ارکان مفهوم توسعه در دهه‌های بعد، یعنی جامعیت و یکپارچگی آن، در رفع عدم تعادل‌های اقتصادی - اجتماعی مناطق درون کشورها، مطرح شد که در پرتو آن باید به تمامی کانون‌های سکونتگاهی، با دید آمایشی فراگیر توجه می‌شد. بنابراین، بر پایه‌ی ایده‌ی آمایش یکپارچه و پایداری توسعه، خلاء و ضرورت پرداختن به اهمیت نقش و کارکردهای شهرهای درجه دوم و سوم، یعنی شهرهای میانی و کوچک، پیوسته وجود داشته است. اگرچه اغلب، برنامه سازان و برنامه ریزان در مراحل گوناگون، کوشیده‌اند تا در عمل از مراکز کوچک سکونتگاهی، بیشتر فاصله بگیرند و شهرهای کوچک زیر یکصد هزار نفری، در گزارش‌ها و بررسی‌ها، کمتر مورد توجه بوده‌اند، ولی طبق آنچه در منابع آمده است (UNFPA.org/state of World population/2007: 4-5)، شمار زیادی از جمعیت شهری جهان (۵۲ درصد از کل جمعیت شهری جهان)، در شهرهای پانصد هزار نفری زندگی می‌کنند و از این رو، نقش شهرهای کوچک و میانی در جذب مازاد جمعیت شهری قابل توجه و حائز اهمیت است. البته گزارش‌های موجود نشان می‌دهد که مسائل و مشکلات این شهرها، از جمله کمبود منابع انسانی، مالی و فنی نادیده گرفته شده‌اند. این کمبودها، سبب تضعیف و کاهش نقش خدمات رسانی این شهرها در بخش‌های مسکن، حمل و نقل، تامین آب سالم، دفع بهداشتی پسماندها و خدماتی از این قبیل می‌شود. همزمان، بخش کوچک اما قابل توجهی از کارها و مطالعات، بر پایین‌ترین سطح از سیستم شهری متمرکز شده‌اند که نقاط شهری بهم پیوسته و ناپیوسته کمتر از ۲۰۰۰۰ نفر جمعیت را در بر می‌گیرد. این نوشتگان عمدتاً و بطور دوره‌ای، در برخی منابع از جمله، مجله‌های تخصصی شهرهای کوچک که دانشگاه واشنگتن چاپ کرده و دیگری مجموعه مقالات کنفرانس شهرهای کوچک و اجتماعات منطقه‌ای، چاپ دانشگاه ویسکانسین - استیون پوینت^۱، یافت می‌شود (Ofori-Amoah, 1997: 32). البته رشد جمعیت و رشد اشتغال بخش صنعتی در دهه ۷۰-۱۹۶۰، در پهنه‌های بیرون از مادر شهرهای آمریکای شمالی موجب شد تا مطالعاتی در این زمینه برای حل مسائل فقر روستایی با تاکید بر شهرهای کوچک انجام گیرد^۲ و کتابهایی در این باره منتشر شوند.

1. University of Wisconsin Steven points

2. Bryce(1977, 1979); Swanson and Cohen(1979); Lonsdale and Selyer(1979)

اما بطور کلی مطالعات شهری، به دلایل زیر مجبور است بر دو حد پایین و بالا از سیستم‌های شهری متمرکز شود: یکی اینکه شهرهای بزرگ در بردارنده‌ی هر آنچه زیر عنوان «شهری» مورد توجه و خواست مردم قرار دارد، هستند؛ ضمن اینکه ساز و کارهای موثر این شهرها بر حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مناطق و مردم، توجه داشته و برنامه‌ریزی پیوسته‌ای را طلب می‌کنند. ولی در حوزه شهرهای بزرگ، نقاط شهری کوچک (در حد پایین سیستم) هم بسیار زیادند و نقش، عملکرد، دلایل وجودی و آنچه موجب تداوم حیات شهرهای کوچک می‌شود، برای ادامه حیات شهرهای بزرگ نیز اهمیت دارد. شاید به همین دلیل، در بیشتر کشورهای توسعه یافته، بویژه در امریکای شمالی، اغلب شهرها، کمتر از ۱۰۰ هزار نفر جمعیت دارند (Ibid:3)؛ ولی در درون جریان اصلی مطالعات شهری، این گروه از شهرها کمتر مورد توجه بوده‌اند. در نتیجه تحقیقات و اطلاعات زیادی درباره‌ی آنها موجود نیست. برای نمونه مشخص نیست که آیا همان الگوها و گرایشاتی که هویت شهرهای بزرگ را شکل داده‌اند در مورد شهرهای کوچک نیز وجود دارند یا خیر. در نتیجه، برنامه ریزان و دست‌اندرکاران شهرهای کوچک که باید به موضوعات برخاسته از شرایط متغیر این شهرها پردازند، بر مدلها و سیاست‌هایی تاکید و اکتفا می‌کنند که با شرایط و موقعیت خاص آنها همخوانی ندارد.

برخی از پژوهش‌های اخیر در این زمینه بر مراکز درونی شهرهای کوچک و توسعه‌ی اقتصادی این شهرها متمرکز شده‌اند.^۱ این نوع کارها نسبتاً اندک‌اند؛ به علاوه بیشتر آنها یا معطوف به زمان خاصی‌اند و یا بر جنبه‌های خاصی از شهرهای کوچک مثلاً مراکز شهری و یا توسعه‌ی اقتصادی متمرکزند و به این ترتیب همچنان نکات مبهم و ناشناخته‌ای از شهرهای کوچک باقی می‌ماند. برای نمونه ویلیام وایت^۲، اندیشگر و منتقد امریکایی مسائل شهری و شهروندی، در کتاب «زندگی اجتماعی در فضاهای شهری کوچک» می‌نویسد^۳؛ مقیاس، متغیری کلیدی در بررسی‌های مربوط به زندگی اجتماعی در شهرهاست. او معتقد است، خلق فضاهای سرزنده در شهرهای کوچک به چند دلیل مشکل‌تر از شهرهای بزرگ است. زیرا در شهرهای بزرگ، جمعیت بیشتری در مراکز زندگی و فعالیت می‌کنند و اگرچه این تراکم مشکلاتی پدید می‌آورد، ولی

1. Burayidi (2001); Schaeffer and Loveridge (2000).

2. William White

3. William White(1917-1999) Social life of small urban spaces

منبع بالقوه مهمی برای تامین بهره‌برداران از فضاهای باز شمرده می‌شوند. وایت باور دارد که رفتار مردم شهرهای بزرگ بسیار به هم شبیه است؛ ولی این همانندی در شهرهای کوچک همان ملیت کمتر دیده می‌شود. وی در طراحی شهری، به طراحی از پایین به بالا معتقد بود، به این معنا که کار را باید از فهم مردمی که از فضاها استفاده می‌کنند آغاز نمود و همواره تاکید داشت که مردم با پاهای خود به صلاحیت مکان خود برای زندگی رای می‌دهند و درواقع آنها از فضاهایی استفاده می‌کنند که در آن آسوده باشند و از فضاهایی که چنین نباشد، گریزانند (پاکزاد.ج. ۱۳۸۹: ۴۳۰).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که شناخت شهرهای کوچک، نیازمند شناخت ماهیت، ویژگی و پویایی‌های این شهرهاست، بویژه آنهایی که بینابین شهر میانی و شهر بزرگ قرار دارند. در نهایت اینکه بر مبنای مطالعات و بررسی‌های انجام شده، سوالاتی به شرح زیر پدید آمد که چارچوب و شاکله اصلی اثر حاضر را تشکیل می‌دهند:

□ دلایل ضرورت تاکید و تمرکز بر رویکرد شهرهای کوچک و میانی در توسعه منطقه‌ای - ملی کدامند؟

□ چه رابطه‌ای بین اندازه شهر و صرفه‌های اقتصادی وجود دارد؟
 □ کدامیک از رویکردهای توسعه منطقه‌ای کارآمد، بر اثرات توسعه‌ای این دو گروه از شهرها تاکید و تمرکز دارند؟

□ موجودیت شهرهای کوچک و میانی چه رابطه‌ای با موضوع توسعه پایدار شهری دارد؟

□ آیا می‌توان بین فرایند جهانی شدن و عملکرد این شهرها رابطه‌ای برقرار نمود؟
 □ در شرایط کنونی، چه نقش‌ها و کارکردهای تازه و پیشرفته‌ای، برای این دو گروه از شهرها قابل بررسی و پیشنهاد هستند؟

بر پایه‌ی این پرسش‌های همانند، کتاب حاضر در شش فصل تدوین و تالیف شده است. فصل اول به تبیین مفاهیم و کلیات، فصل دوم به مبانی نظری، فصل سوم در حوزه‌ها و نقشهای کارکردی - توسعه‌ای شهرهای میانی و کوچک، فصل چهارم به تشریح تجارب جهانی در خصوص شهرهای میانی و کوچک، فصل پنجم به تبیین راهبردها و اقدامات در برنامه‌ریزی شهرهای میانی و کوچک و سرانجام، فصل ششم کتاب به تشریح جایگاه شهرهای میانی و کوچک در نظام شبکه‌ی شهری ایران اختصاص یافته است.